

## دکتر بیل مونس، موعظه بالای کوه، سخنرانی ۵، متی ۵: ۱۷-۲۰ درباره عیسی و شریعت

بیل مونس و تد هیلدیرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر بیل مونتس در حال تدریس در مورد موعظه بالای کوه است. این جلسه پنجم در مورد متی ۵: ۱۷-۲۰ در مورد عیسی و شریعت است.

بسیار خوب، ما بخش اول فصل پنجم را با سرعت لاک‌پشتی گذرانیدیم، اما مجبور بودیم

این کتاب، بسیاری از مضامین و رویکردهای اساسی را مطرح می‌کند. بنابراین امروز می‌خواهیم سرعت کار را افزایش دهیم و نیمی از فصل را به طور کامل بررسی کنیم. این کل مسئله عیسی و درک او از شریعت است، بنابراین از آیه ۵۱۷ به پایان فصل پنجم خواهیم پرداخت.

اگر خیلی زود کارمان تمام شود، به فصل ششم خواهیم پرداخت. از آنجایی که فرانک اینجا نیست، ممکن است زودتر برویم، اما این صحبت معمولاً تمام روز طول می‌کشد. در کتاب اعمال عیسی مسائل بفرنج زیادی وجود دارد.

بسیار خوب، رهبران یهودی، حداقل ما در آغاز رسالت عیسی هستیم، سوال اصلی رهبران یهودی در مورد عیسی احتمالاً این بود که او در مورد عهد عتیق چه فکر می‌کند؟ او در مورد تفسیر ما چه فکر می‌کند؟ این یک معلم جدید، ناشناخته و کاریزماتیک است که از هیکسویل بیرون می‌آید. او به هیچ یک از مدارس آنها نرفته بود. هیچ کس واقعاً او را نمی‌شناخت.

اتفاقات عجیبی در اورشلیم افتاده بود، از جمله چیزی در مورد قانا و شراب مالیک خیلی خوب. مطمئنم مالیک بود. باشه، شاردونه نه.

حتماً مالیک بوده است. به هر حال، آنها کنجکاو خواهند بود که بدانند او درباره عهد عتیق، چه پرسش اصلی و سند تعیین‌کننده یهودیت است، چه فکر می‌کند.

آیا عیسی مرجعیت آن را می‌پذیرد؟ آیا عیسی درک ما از آن را می‌پذیرد؟ منظورم این است که مطمئناً همه این سوالات در ذهن آنها می‌چرخید، و بنابراین عیسی این سؤال را از قبل پیش‌بینی کرده بود. سپس می‌گوید، بنابراین ۵۱۷، فکر نکنید که من آمده‌ام تا شریعت انبیا را منسوخ کنم. من نیامده‌ام تا آنها را منسوخ کنم، بلکه آمده‌ام تا آنها را به انجام برسانم.

بنابراین، رهبران یهودی دارند می‌روند، باشه، او سعی نمی‌کند از شر آن خلاص شود، اما احتمالاً آنها، برای تحقق آنها، به نوعی، هوم، او فکر می‌کند کیست؟ این حرف عجیبی است. زیرا واقعاً، به شما می‌گویم، تا زمانی که آسمان و زمین از بین نرود، کوچکترین حرف، ذره‌ای، و کوچکترین ضربه قلمی به هیچ وجه از شریعت از بین نخواهد رفت تا زمانی که همه چیز به انجام برسد. فریسیان می‌گویند، بله، خوب، خوب، خوب.

و بنابراین، هر کسی که یکی از کوچکترین این احکام را کنار بگذارد، من حتی در مورد احکام اصلی صحبت نمی‌کنم، من در مورد چیزهای کوچک، مانند دادن عشر از نعنای صحبت می‌کنم، و دیگران را بر این اساس آموزش دهد، در پادشاهی آسمان کمترین نامیده خواهد شد. اما هر کسی که این احکام را اجرا و آموزش

دهد، در پادشاهی آسمان بزرگ نامیده خواهد شد. بنابراین، عیسی با نوعی آرام کردن آنها به چیزی که معلوم می‌شود رضایت کاذب است، بحث را به راه می‌اندازد.

بنابراین این همان چیزی است که در ابتدای این متن اتفاق می‌افتد. به عبارت دیگر، او می‌گوید که من و آموزه‌هایم در پیوستگی کامل با کتب مقدس عبری، شریعت و انبیا خواهیم بود. از نظر فنی، عهد عتیق و کتب مقدس عبری عبارتند از تنخ، تورات، نوییم و کتیبیم، بنابراین شریعت و انبیا

ما نمی‌دانیم یهودیان چه زمانی بخش مکتوبات، مثلاً مزامیر، امثال، ایوب، و هر جای دیگری که باشد، برخی از آن سؤالات را بسته‌اند، احتمالاً در پایان قرن اول میلادی. اما با شریعت و انبیا، آن بخش از شریعت بسته شد. و با گفتن شریعت و انبیا، عیسی در واقع در مورد کل کتب مقدس ما صحبت می‌کند، درست است؟ بنابراین، شریعت و انبیا همان چیزی هستند که ما عهد عتیق می‌نامیم. با این حال، مسئله کلیدی در مورد «آیه، و مسئله‌ای که احتمالاً گوش‌های آنها را تیز می‌کرد و می‌گفت، این به چه معناست؟ آیا کلمه «تحقق است؟ من در مورد آن صحبت خواهم کرد»

من فکر می‌کنم این مسئله، دشوارترین مسئله الهیاتی در کتاب مقدس است. رابطه عهد عتیق و جدید عیسی از چه نظر کامل کننده است؟ از چه نظر عهد عتیق هنوز معتبر است؟ از چه نظر عهد عتیق معتبر نیست؟ ما مزامیر را می‌خوانیم و شکی نیست، ما آنها را دوست داریم و از آنها نقل قول می‌کنیم و در مورد آنها موعظه می‌کنیم، اما احتمالاً تعداد بسیار کمی از ما پسر نافرمان را سنگسار کرده‌ایم.

احتمالاً تعداد خیلی کمی از ما یک فرد همجنسگرا را کشته‌ایم، درست است؟ قوانین عهد عتیق، درست است؟ و بنابراین کاری که ما معمولاً انجام می‌دهیم این است که چیزی را که دوست داریم انتخاب کنیم، درست است؟ خب، این منطقی است، بنابراین من از آن پیروی خواهم کرد. و این چیزهای دیگر، منطقی نیست، بنابراین من در مورد سنگسار یک پسر نافرمان موعظه نخواهم کرد. اگرچه، از جایی که من هستم می‌توانید یک پسر نافرمان را به راحتی سنگسار کنید.

می‌خوام به لحظه صبر کنم. فقط برو به فروشگاه محلی و به کم ماری جوانا بخر، و به پسر تده چون الان دیگه همه چی قانونیه. من فقط منتظر بودم، منتظر، شمال غربی اقیانوس آرام، واقعاً بخش آوانگارد کشور

این یک تضاد جالب و بزرگ بین واشنگتن و اورگان است، زیرا اورگان خود را یک ایالت فوق مترقی می‌داند و ماری جوانا را قانونی می‌کند، اما دولت فدرال آن را دوست ندارد، اما آنها هنوز مجبورند آن را در مکان‌های مخفی پرورش دهند. و سپس واشنگتن آنها را به چالش می‌کشد و ماری جوانا را کاملاً قانونی می‌کند. و مطمئناً اورگان آزرده خاطر شد و به سرعت قانونی را تصویب کرد که آنها نیز این اجازه را خواهند داد.

راستی، آگه بخوای می‌تونی توی پورتلند هم لخت راه بری. هم پورتلند و هم سانفرانسیسکو قوانین خوبی دارن. به هر حال، آره، وقتی این قانون توی سانفرانسیسکو تصویب شد... واقعاً دارم از موضوع اصلی منحرف می‌شم. عجله دارم.

می‌دونی، طبق قوانین شهر سانفرانسیسکو، می‌تونی به معنای واقعی کلمه برهنه راه بری. تنها شرطش اینه که آگه می‌خوای بشینی، باید روی یه حوله بشینی. به هر حال، به هر حال، انجامش بده... نمی‌دونم چطور گیر افتادم... آوه، سنگسار یه پسر نافرمان

باشه، باشه. این موضوع سخته. من کتاب خوندم، و با تام شرایر وقت‌های خصوصی داشتم؛ این تخصص اونه، و هنوزم سخته

بنابراین به جای تمرکز بر تمام چیزهایی که هنوز نفهمیده‌ام، مواردی وجود دارد که حداقل من با آنها راحت هستم و می‌دانم چه چیزی به معنای تحقق بخشیدن است. پس بیایید از این موضوع عبور کنیم و سپس به شما می‌گویم که مسائل مشکوک کجا هستند. منظور عیسی از اینکه می‌گوید عهد عتیق را تحقق می‌بخشد چیست؟ رابطه عهد جدید و عهد عتیق چیست؟ عیسی عهد عتیق را به این صورت تحقق می‌بخشد که همه آنها به او اشاره دارند و همه آنها کامل‌ترین و کامل‌ترین معنای خود را در او می‌یابند.

بنابراین، عهد عتیق این را دارد که احتمالاً از پیدایش ۱۱ شروع می‌شود، این پایه بسیار گسترده را دارد و با داستان ابراهیم و کمی قبل از آن شروع می‌شود و به آرامی به یک نقطه، به یک اوج، می‌رسد و آن اوج عیسی است. بنابراین، تمام عهد عتیق به نحوی به او اشاره دارد، همه چیز به او اشاره دارد و همه چیز کامل‌ترین معنای خود، عمیق‌ترین معنای خود را در او می‌یابد. آیا با مطالب گراهام گلدزورثی آشنا هستید؟ او استاد الهیات کالج مور در استرالیا است و کار بسیار خوبی در کمک به ما برای دیدن عیسی در همه جای عهد عتیق انجام داده است.

حالا، با توجه به مدارک تحصیلی معمول، فکر نمی‌کنم عیسی اینطور باشد؛ او پشت هر صخره‌ای در عهد عتیق نیست، و فکر می‌کنم می‌توانید عهد عتیق را موعظه کنید و در عهد عتیق بمانید، اما گلدزورثی به ما حساسیت جدیدی بخشیده است تا بفهمیم که همه اینها در نهایت، به هر طریقی، به عیسی اشاره دارند، و این باعث می‌شود موعظه مؤثر باشد. به هر حال، عیسی عهد عتیق را به این صورت تکمیل می‌کند که همه آنها به او اشاره دارند، و همه آنها کامل‌ترین و کامل‌ترین معنای خود را در او می‌یابند. بسیار خوب، بیایید به برخی از جزئیات نگاه کنیم.

اول از همه، عیسی پیشگویی‌های عهد عتیق را به انجام می‌رساند. این ساده‌ترین پیشگویی است، درست است؟ پیشگویی در مورد محل تولد او - او در بیت‌لحم متولد شد. پیشگویی در اشعیا ۵۳ مبنی بر اینکه او برای گناهان ما خواهد مرد - او آن را بر روی صلیب به انجام رساند. او یک بنده رنج‌کشیده است.

بنابراین، اولاً، بدیهی است که متون نبوی در او تحقق می‌یابند. ثانیاً، عیسی سیستم قربانی را تحقق می‌بخشد این همان چیزی است که در دیسپنشنالیسم قدیمی که بازسازی معبد را با قربانی‌ها می‌بیند، اشتباه بود و من نمی‌دانم که آیا این موارد هرگز بخشی از دیسپنشنالیسم جریان اصلی بوده‌اند یا خیر، اما آنها قربانی برای گناهان را می‌دیدند.

فکر می‌کنم خیلی سریع تغییر کرد، اینکه همه آنها قربانی‌های شکرگزاری بودند، اما در الهیات قدیمی تدبیرگرا هنوز قربانی بودند. عیسی سیستم قربانی را تکمیل کرد و من معتقدم که آن را کاملاً از بین برد. مثلاً لاویان درباره چه بود؟ اگر فقط کتاب لاویان را به طور کلی بخوانید، چند نکته اساسی را متوجه می‌شوید.

شما این پیام را دریافت می‌کنید که گناه واقعاً بد است، درست است؟ شما این درک را از کفاره جایگزین دریافت می‌کنید که کسی می‌تواند به جای گناهکار بمیرد، و این ایده را از کهناتی که می‌توانیم به آن بیاییم دریافت می‌کنید، حداقل می‌توانیم به خدا نزدیک شویم، می‌دانید، آنجا یک کاهن خواهد بود، اما می‌توانیم به خدا نزدیک شویم و با گناهانمان در ارتباط با خدا برخورد کنیم. شاید این نکته به آن اندازه که می‌خواهم، بگویم قوی نباشد، اما مطمئناً، لاویان تقدس خدا را آموزش می‌دهد، این روش بهتری برای گفتن آن است تقدس خدا، وحشتناک بودن گناه و رحمت خدا را در مجاز دانستن کفاره جایگزین آموزش می‌دهد. بگذارید این سه نکته را آسان‌تر کنم.

قدوسیت خدا، هولناکی گناه، و اثرات آن، مرگ، و رحمت خدا در اجازه دادن به یک جایگزین. یاد می‌آید که یک بار فقط یک موعظه در مورد لاویان ایراد کردم، و احتمالاً خیلی جدی به آن فکر نکردم، اما می‌خواستم

آنها ببینند که لاویان درباره چیست، چون چه کسی حیوان را در قربانی می‌کشد؟ گناهکار این کار را می‌کند. گناهکار گلو را می‌برد.

شما این را مطرح می‌کنید، یک چیزی هست، دست‌ها روی آنها قرار می‌گیرند، اما گناهکار حیوان را می‌کشد و سپس کاهن خون را می‌گیرد و می‌پاشد. خوب، منظورم این است که این تصویر بسیار قدرتمندی است، و من با این ایده که یک پشمالو بیاورم و فقط آن را در حین صحبت نگه دارم، بازی کردم، اما فکر کردم که به خاطر این کار درجا اخراج می‌شوم، بنابراین این کار را نکردم. اما این تصویر متفاوتی است زیرا طبق قوانین لاویان، شما نمی‌توانید به سادگی جایگزین خود را با بز خود بفرستید و بگویید، بله، هر چه

شما می‌روید، آن را می‌کشید، خون را می‌بینید، و این یادآوری تقدس خدا، وحشتناک بودن گناه و رحمت خدا در مجاز دانستن کفاره جایگزین است. بسیار خوب، کل سیستم قربانی در جلجتا محقق شده است، اینطور نیست؟ و به همین دلیل است که ما دیگر اصلاً قربانی نمی‌کنیم. یک قربانی وجود داشت، کتاب عبرانیان، یک قربانی یک بار برای همیشه وجود داشت، نیازی به انجام دوباره آن نیست.

بنابراین، کل این سیستم قربانی در مسیح محقق شد. بسیار خوب. بله.

اگر کلیسای محراب داشته باشد، کاملاً و مطلقاً خلاف کتاب مقدس است. آمین. کل این ایده محراب مراسم عشا ربانی، حتی اینکه در کلیسای پروتستان آن را محراب بنامیم، به نظر من از نظر الهیاتی، الهیات کاملاً وحشتناکی است.

بله، قربانگاه همان صلیب است؛ تکرار نمی‌شود و هیچ چیز دیگری وجود ندارد؛ مردم به قربانگاه نمی‌آیند. به هر حال، قربانگاه در آن سوی دنیا و در جهت مخالف آن قرار دارد. سوم، عیسی قوانین غذایی مربوط به پاکی و ناپاکی را به جا می‌آورد.

خوب، این یه مسئله‌ی خیلی مهمه، مگه نه؟ تمام قوانین کوشر در مسیح محقق شدن. شما متن مرقس ۷ رو دارید، آموزه‌های پولس رو دارید و از این جور چیزا. در مورد اینکه هدف از قوانین غذایی چی بوده بحث‌هایی وجود داره.

می‌دانید، یاد می‌آید در دانشگاه خواندم که آنها واقعاً همه چیز را در مورد سلامتی می‌دانند و می‌دانید گوشت خوک و چیزهایی از این قبیل را نباید خورد. ممکن است هنگام وضع قوانین کوشر، چیزهای فرعی دیگری هم در ذهن خدا می‌گذشته است، اما هدف اساسی قوانین غذایی، تثبیت مفهوم پاکی و ناپاکی بود، اینکه چیزهای خاصی وجود دارند که ما را از حضور خدا دور می‌کنند و چیزهای دیگری وجود دارند که به ما اجازه می‌دهند به حضور خدا بیاییم. در فصل ۷ انجیل مرقس، اینجا جایی است که واقعاً در مورد آن بحث می‌شود و روشن می‌شود که اکنون مهم نیست چه چیزی بیرون است؛ مهم چیزی است که درون است.

و فکر می‌کنم می‌توان استدلال کرد که در تمام این مدت، قوانین فرقه‌ای واقعاً برای این وضع شده بودند که به مردم کمک کنند تا بر اساس قلبشان بفهمند که شما پاک یا نجس هستید، و این به روش‌های خاصی خودش را نشان می‌دهد، مثلاً اینکه آیا حیوانات سم‌دار می‌خورید یا بدون سم، درست است؟ بنابراین تمام آن قوانین غذایی و هر چیزی که در مورد پاکی و ناپاک بودن آموزش می‌دادند، و افراد ناپاک نمی‌توانند برای همیشه در حضور خدا زندگی کنند، و همه این چیزها، تمام آن قوانین کوشر در مسیح تحقق می‌یابند. یکی از بزرگترین اشتباهات احمقانه‌ای که در زندگی‌ام مرتکب شده‌ام این بود که ۳۰ ساله بودم و برادرم بین سال اول و دوم دکترای من به خانه رفته بود. خانواده‌ام به ما مقداری پول دادند چون می‌دانستند که می‌خواهیم به اسرائیل برویم.

بنابراین، من و دیوید، برادر کوچکم، به اسرائیل رفتیم و اساساً یک ماه و نیم در خوابگاه‌های جوانان و جاهای دیگر ماندیم. حسابی سر و صدا کردیم. اما جمعه شب به تل‌آویو پرواز کردیم.

البته، شب‌ات از زمانی شروع می‌شود که شما سه ستاره را در شب جمعه ببینید. بنابراین، ما شب را در قسمت بار فرودگاه تل‌آویو خوابیدیم و صبح زود روز بعد، یک راننده تاکسی عرب پیدا کردیم که ما را به اورشلیم ببرد. او اهمیتی به شب‌ات نمی‌داد.

خب، ما به اسرائیل رسیدیم و گرسنه بودیم و یک پیتزا سفارش دادیم. می‌دانم که باید صبر می‌کردیم تا شب‌ه شب سه ستاره بیرون بیایند و بعد مهمانی در اسرائیل شروع می‌شد. بنابراین واقعاً گرسنه بودیم و به یک پیتزا فروشی رفتیم.

آیا می‌دانید بدترین چیز دنیا پیتزای یهودی است؟ می‌دانید چرا؟ به اندازه کافی شور نیست. نباید بچه را در گوشت بز مادرش بی‌زید. نباید لبنیات و گوشت را با هم مخلوط کنید.

خب، یا پیتزای پنیر دارید، یا پیتزای گوشت بدون پنیر. واقعاً افضاح هستند. و ما آنجا نشسته بودیم و غذا می‌خوردیم، و من گفتم، چه مشکلی پیش آمده؟ و آنها گفتند، اوه، قوانین غذای کوشر.

آنها نمی‌توانند آن را با هم مخلوط کنند. منظورم این است که قانون اولیه غذا یک رسم کنعانی بود که به معنای واقعی کلمه یک بزغاله را در شیر مادرش به عنوان نوعی عبادت می‌جوشاندند. و این اصل ماجرا است.

منظورم این است که به همین دلیل است که قانون وجود دارد. شما اعمال مذهبی را که شما را شبیه کنعانی‌ها نشان می‌دهد، اتخاذ نمی‌کنید. ضمناً، این امر انواع و اقسام پیامدها را در نحوه عبادت ما دارد.

تا حالا شده وارد کلیسای بشی که قسم بخوری توی یه کنسرت راک هستی؟ هوم. تقلید از فرم‌های دنیا. در هر صورت، من اونجا نمی‌رم.

به هر حال، بنابراین کوشر، مخلوط نکردن فرآورده‌های شیر و گوشت از جوشاندن بچه در شیر مادرش ناشی می‌شود. به هر حال، به هر حال، تمام آن قوانین غذایی از بین رفته‌اند. به همین دلیل است که من کاملاً با خیال راحت گوشت، گوشت، پنیر، پنیر، پیتزا می‌خورم.

به هر حال، عیسی آنها را به انجام می‌رساند. مورد چهارم، که کمی الهیاتی‌تر است. مسیح عهد عتیق را به انجام می‌رساند، به این معنی که او کاملاً از شریعت اطاعت کرد.

عدالت عیسی، از الهیات خود به یاد داشته باشید، عدالت عیسی یک عدالت اکتسابی است، اینطور نیست؟ زیرا او کاملاً و به طور کامل از نیت واقعی شریعت اطاعت کرد. عشق به خدا، عشق به همسایه. حال، او بدیهی است که از تفسیر فریسی از شریعت اطاعت نکرد، اما با اطاعت کامل از شریعت، عدالت را به دست آورد.

از این نظر، شریعت را به انجام می‌رساند. او کاملاً مطابق با نیت حقیقی شریعت زندگی کرد. او برای برآوردن خواسته‌های شریعت مُرد و نتیجه این شد که او پارسایی را به دست آورد و بدین ترتیب شریعت را به انجام رساند.

بنابراین، این یک روش الهیاتی است که او از طریق آن شریعت را اجرا می‌کند. بسیار خب، نکته پنجم. داریم. به چیزهایی می‌رسیم که من نمی‌فهمم، اما برجسی برای آن ندارم.

این به سادگی این سوال را مطرح می‌کند که عهد عتیق چیست؟ عهد عتیق مکاشفه شخصیت و فعالیت خداست، درست است؟ این همان چیزی است که کتب مقدس عبری هستند. این مکاشفه شخصیت خداست. این مکاشفه اعمال اوست، آنچه انجام داده، انجام می‌دهد و قرار است انجام دهد.

این وحی‌ای است که او مقدس، عادل و نیکو است. این وحی‌ای است که عمیق‌ترین آرزوی او این است که خدای ما باشد و ما قوم او باشیم. بسیار خوب، عهد عتیق وحی شگفت‌انگیزی از شخصیت و اعمال خداست، و از این نظر، مسیح شریعت را به کمال رساند زیرا او کامل‌ترین و واضح‌ترین وحی از شخصیت و اراده خداست.

به عبارت دیگر، چیزهایی که عهد عتیق به ما کمک می‌کند تا در مورد خدا بفهمیم، به یک نقطه می‌رسند و عیسی کامل‌ترین و واضح‌ترین درک ما از خدا را به ما می‌دهد. حالا، من یک برجسب مختصر و مفید برای آن ندارم. این را به شما واگذار می‌کنم تا بفهمید.

خب، اینها چیزهایی هستند که من با آنها راحت هستم. چند مسئله دیگر هم هست که کمی کمتر با آنها راحت هستم، و فقط به عنوان مثال. خب، پارسال پروفیسور کایزر، رئیس سابق من، اینجا بود، و والت هم در مورد ارضای تک‌تک آرزوها خیلی اصرار دارد.

آیا کسی از شما در کلاس او بود؟ باشه، خیلی محکم، مگه نه؟ فقط یک تحقق پیشگویی وجود داره. من به دکتر کایزر احترام می‌گذارم. من واقعاً او را به عنوان یک شخص دوست دارم، و کاملاً با او در این مورد مخالفم، اما این کار را با احتیاط انجام می‌دهم، باشه؟ من طرفدار سرسخت تحقق دوگانه هستم، چون نمی‌دانم چطور دیگری برخی از پیشگویی‌های عهد جدید را بخوانم.

از مصر، پسر را فراخوانده‌ام. حالا، هوشع ۱۱.۱ به وضوح به فراخواندن قوم اسرائیل از مصر توسط خدا اشاره می‌کند. من نمی‌دانم هوشع ۱۱.۱ را چگونه دیگری بخوانم، و با این حال آنچه در مورد اسرائیل به عنوان یک ملت، پسر خدا، صادق است، به طور کامل‌تر و کامل‌تر با پسر واحد خدا - نمی‌خواهم بگویم واقعی، اما پسر واحد او - تکرار می‌شود.

و بنابراین، می‌بینید که متی، به ویژه مایل است به چگونگی ارتباط خدا با ملت اسرائیل نگاه کند و تحقق واقعی را در عین اذعان به این که بله، اسرائیل پسر خداست، و خدا اسرائیل را از مصر بیرون کشید، بنابراین، من از مصر پسر خود را فراخوانده‌ام، به شیوه‌ای جدید و کامل‌تر و بی‌نقص‌تر در مورد پسر خدا، عیسی صادق است. بسیار خوب، و بنابراین اعمالی که شروع می‌شوند - به نظر من اینگونه باید با اشعیا ۷:۱۴ برخورد کنید. وقتی باکره‌ای باردار می‌شود و فرزندی به دنیا می‌آورد. مشکل هم کلمه عبری پشت باکره و هم پارتنوس در یونانی است، ترجمه یونانی در درجه اول به معنای باکره نیست.

این کلمه به معنای زن جوانی است که در سن ازدواج قرار دارد. فرض بر این است که بیشتر زنان جوان در سن ازدواج باکره هستند. مشکل این است که پارتنوس برای فاحشه‌های معبد استفاده می‌شود.

دفعه‌ی قبل که چک کردم، اونا باکره نبودن. چک کردم. شاید باید از یه کلمه دیگه استفاده کنم.

آخرین باری که به این موضوع فکر کردم و در موردش خواندم، می‌دانید، فاحشه‌های معبد باکره نیستند. و در موقعیت تاریخی آن، فکر می‌کنم که باکره، زن جوان، همسر اشعیا است. و کل نکته این است که اشعیا از اخاب می‌خواهد که از خدا نشانه‌ای بخواهد، و اخاب، در سرکشی کامل، می‌گوید، من نشانه‌ای نخواهم خواست.

او خیلی مذهبی به نظر می‌رسد. در واقع او کاملاً بی‌حرکت نشسته است، چون کاری را که خدا به او گفته انجام نمی‌دهد. و اشعیا، کاملاً با شما، می‌گوید آنچه من همین الان پیشگویی کردم، قبل از اینکه پسر من به سن خاصی برسد، به حقیقت خواهد پیوست.

چون آنها درباره پسر می‌گویند که به دنیا آمده صحبت می‌کنند، فکر می‌کنم در فصل بعدی باشد. خب، متی دارد چه کار می‌کند؟ خب، متی می‌داند که اتفاقاتی که در عهد عتیق رخ می‌دهند، اگر بخواهیم از این کلمه استفاده کنیم، یک نوع هستند. آنها اولین مکاشفه هستند، اولین رویداد، می‌دانید، که در سطحی عمیق‌تر و بنیادی‌تر است که اشعیا هرگز نمی‌توانست آن را درک کند، که قرار است در پسر خدا، عیسی، محقق شود.

به RSV، و بنابراین، واقعاً سخت است زیرا نمی‌توانید چنین پاورقی‌ای را در کتاب مقدس قرار دهید. بنابراین، خاطر گفتن «زن جوان» مورد انتقاد قرار گرفت، اگرچه واقعاً همان چیزی است که در اشعیا اتفاق می‌افتد، اما در متی بی‌معنی است. بنابراین، اگر انجیلی هستید، باید در هر دو جا بگویید باکره.

در غیر این صورت، حرف‌های متیو اصلاً منطقی نیست. بنابراین، من فقط دارم می‌گویم تا بتوانم برخی از این نوع ارتباطات را ببینم. خب، من در دو حوزه مطمئن نیستم.

یکی وعده سرزمین است. وعده‌های محکمی در مورد سرزمین در عهد عتیق وجود دارد، درست است؟ من الان دارم اشعیا را می‌خوانم، و انواع وعده‌های سرزمینی که آنها دریافت خواهند کرد وجود دارد. و من از این اصطلاحات خوشم نمی‌آید، اما باز هم دقیقاً نقطه مقابل پروفیسور کایزر هستم.

من به الهیات جایگزینی اعتقاد دارم. اصطلاح خوبی نیست، اما فکر می‌کنم من از نوادگان واقعی ابراهیم هستم. فکر می‌کنم پولس این را بارها تکرار کرده است، نمی‌دانم چطور ما این را از دست می‌دهیم.

این یکی از مشارکت‌های من است، زیرا هر دو، NIV و هم در نسخه ESV جالب است که هم در نسخه مانند رومیان ۲، اسرائیلی واقعی یا ختنه واقعی را داشتند. کلمه «درست» در یونانی وجود ندارد. ختنه به هیچ وجه ربطی به آنچه ما از نظر فیزیکی انجام می‌دهیم، ندارد.

هیچ ختنه واقعی یا تا حدی واقعی وجود ندارد. پولس می‌گوید ختنه یک امر قلبی است. و پولس چنان تعریف جدیدی از فرزند ابراهیم ارائه می‌دهد که مردم با آن مشکل دارند و بنابراین این کلمات را که در متن وجود ندارند، درست می‌دانند.

بنابراین، من معتقدم که زمین بهشت است. اکنون، در نقطه‌ای نیستم که مایل باشم مقاله‌ای بنویسم و به آن پردازم، اما کاملاً مطمئن هستم زیرا به نعمت‌هایی که در عهد عتیق در مورد زمین وعده داده شده و صلحی که قرار است بر روی زمین برقرار شود، نگاه می‌کنم. و می‌دانم که برخی افراد آن را در هزاره قرار می‌دهند.

من آن را در بهشت قرار می‌دهم. اما من این را به عنوان نوعی مطرح می‌کنم، وقتی در مورد تحقق عهد عتیق در مسیح صحبت می‌کنید، وعده‌های سرزمین را دارید. سخت‌ترین بخش عهد عتیق یافتن راهی برای تمرکز بر مسیح است، که شامل تمام قوانین تئوکراتیک است.

اسرائیل طوری طراحی شده که یک حکومت تئوکراتیک باشد، درست است؟ خدا رئیس اسرائیل است. و تحت همین عنوان است که قوانین، قوانین اجتماعی در مورد سنگسار پسر نافرمان، مطرح می‌شوند. و من نمی‌دانم که آن قانون چگونه در مسیح محقق می‌شود.

من می‌توانم استدلالی را ببینم که می‌گوید نگرش‌هایی که پشت سر نافرمانی پسر هستند یا نگرش‌های قلبی که پشت نحوه تربیت فرزندان توسط پدر و مادر وجود دارد، به نوعی آنها را در مسیح به کمال می‌رساند و توسط روح‌القدس توانمند می‌سازد. من نمی‌دانم چگونه می‌توان قوانین تئوکراتیک را گرفت و آنها را در مسیح به کمال رساند. بنابراین، برای من، این نکته اصلی است.

اما آنها باید باشند زیرا عیسی می‌گوید که تمام عهد عتیق در او تحقق یافته است. بنابراین باید راهی وجود داشته باشد که این اتفاق بیفتد. شاید شریک بدانند که من نمی‌دانم.

باشه؟ اما نکته اینه که من نیومدم تا تورات یا نوشته‌های پیامبران رو باطل کنم. من نیومدم که اونها رو باطل کنم، بلکه اومدم تا اونها رو به کمال برسونم. همه اونها به یه نقطه‌ای در مسیح می‌رسن.

و با رسیدن به نقطه‌ای در او، برخی از آنها دیگر وجود ندارند. درست است؟ سیستم قربانی در برخی دیگر آنها ادامه می‌یابند.

به همین دلیل است که ما مزامیر را می‌خوانیم. بخش‌های دیگر آن در عهد جدید ادامه می‌یابند، زیرا از جهات عمیق‌تری حقیقی‌تر هستند و در عهد جدید توسط روح خدا تقویت می‌شوند. به همین دلیل است که من از مزامیر موعظه می‌کنم، زیرا آنها در مسیح تحقق یافته‌اند و به عهد عتیق تنزل نیافته‌اند، که آنها نیز بخشی از عهد جدید هستند.

باشه؟ ممکنه نباشه. کاش جواب همه سوال‌ها رو داشتم، خوب نبود؟ اینجا یه کلاس ثبت نام کن و جواب همه سوال‌ها رو بگیر، اما من ندارم. نظری داری؟ به نظرم این‌ها تمایزهای مفیدی هستن.

شما فقط باید راهی پیدا کنید که بگویید آنها در مسیح تحقق یافته‌اند. بله، قوانین اخلاقی به این بستگی دارند که اخلاق چیست. یهودیان آن را به این شکل تقسیم نکردند.

این بخشی از مشکل است. خب، آیا سنگسار کردن یک پسر نافرمان بخشی از قانون اخلاقی است یا نه؟ به نظر من نافرمانی نکردن بخشی از قانون اخلاقی است. بله.

اما سنگسار، بله. من آن مورد دیگر را بیشتر تحت یک قانون دولتی قرار می‌دهم. بله.

ببینید، چیزی که می‌توان گفت این است که هر چیزی که مربوط به یک حکومت دینی باشد، منسوخ شده است، زیرا ما دیگر در یک حکومت دینی زندگی نمی‌کنیم. و همچنین، اسرائیل بیشتر عمر خود را در یک حکومت دینی نگذرانده است. همه چیز هنوز در مورد آن صدق می‌کند.

بله، هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که وقتی آنها تحت کنترل کشور دیگری بودند، هنوز قرار نبود پسر نافرمان را سنگسار کنند. منظورم این است که، بله، این به طرز خارق‌العاده‌ای پیچیده است. یهودیان گفتند، نه، این قوانین است، و آنها را از هم جدا نکرد.

ما این تقسیم‌بندی را انجام می‌دهیم تا سعی کنیم با برخی از قوانین کنار بیاییم. باید بگوییم، شما به معلم دیگری اشاره کردید که من در کلاسش در مورد موعظه عهد عتیق بودم. و من فکر کردم، شما هیچ نوع تایی را تایپ نمی‌کنید.

نمی‌فهمم. نمی‌فهمم چرا تو هیچ‌وقت نمی‌خوای اینو ببینی، چون پاول همه جا اینو دیده بود. پیترو هم دیده بودش.

پس چرا ما آن را نمی‌بینیم؟ و دکتر کایزر پاسخی برای آن خواهد داشت. من نمی‌دانم آن چیست. اما منظورم این است که او واقعاً در مورد هیچ نوع و نوع دیگری از ارضای دوگانه، سنگ تمام گذاشته است.

و او یک محقق فوق‌العاده است. بنابراین، دلایلی پشت آن وجود دارد. من فقط، بله، اگر پاول تایپ را ببیند و من تایپ کنم.

منظورم این است که حتی بحث در تفاسیر در مورد اینکه عیسی در خطبه بالای کوه خود را به عنوان موسی، جدید، به عنوان پیامبری که موسی پیشگویی کرده بود، معرفی می‌کند، اینکه کسی مثل من خواهد آمد. خوب، این یک تحقق دوگانه نیست. اما شما یک نمونه و یک نمونه دارید.

شما موسی را دارید، و یک شخصیت موسی در عیسی دارید. بنابراین، بله. قدرت دکتر کایزر به اندازه خودش خوب است، اما او انجیل‌گرایی را در مورد این موضع متقاعد نکرده است.

در واقع، مطمئنم افرادی هستند، اما من بازیگران بزرگی را نمی‌شناسم که موافقت کرده باشند. به هر حال «همه چیز برای مبارزه وجود دارد. آیا می‌توانید کلمه یونانی «تحقق بخشیدن» را به «کاملاً تحقق بخشیدن» ترجمه کنید؟ درست است، درست است.

واقعاً ستایش بزرگی است. این ایده بدی نیست. اما ببینید، پیشگویی‌های خاصی وجود دارد، پیشگویی‌های بندگان رنج‌کشیده که به انجام رسیده‌اند.

اما فکر می‌کنم وقتی بیشتر اعضای کلیسا کلمه تحقق یافته را می‌شنوند، به دنبال بیت‌لحم، افراط یا هر جای دیگری هستند. می‌دانید، حاکم از شما بیرون خواهد آمد. آنها به پیشگویی‌های بسیار خاص و آشکار فکر می‌کنند.

فکر می‌کنم ایده شما در مورد استفاده از آن برای درک کامل‌تر، در واقع همان کاری است که بخش عمده‌ای از عهد عتیق انجام می‌دهد. سیستم قربانی نمونه بسیار خوبی است. این روش، درک کامل‌تر و کامل‌تر مسیح است.

خب، و مشکل در واقع همین است. مردم به متیو نگاه می‌کنند و می‌گویند، این دیوانه است. این دیوانه است.

در متی و نه در pleirao خب، نمی‌دانم، در موردش فکر می‌کنم. شاید جالب باشد که ترجمه‌ی متفاوتی از جای دیگر ارائه شود. فکر می‌کنم به این دلیل است که متی تنها کسی است که واقعاً باید نگرانش باشید.

هم به خاطرش اعتباری به من تعلق نمی‌گیرد. او، واقعاً؟ وای، من از چیزی که فکر می‌کردم NIV خب، در بهره‌ترم. آره.

بله. بله، نگاهی بهش می‌اندازم. بله، آقا.

هوم. مت، تا حالا اینو شنیدی؟ آگه یه پیشگویی فراتر از عمر پیامبر به وقوع پیوسته باشه، آیا اون باید اون رو با چیزی که باید در طول عمرش تأییدش می‌کرد، تأیید می‌کرد؟ خب، من تا حالا همچین چیزی نشنیدم که به این معنی نیست که درست نیست. آره، آره، من با متنی که همچین چیزی رو بگه آشنا نیستم.

هوم، من با آن بخش از متن آشنا نیستم. تنها آزمایشی که من برای یک پیامبر می‌شناسم این است که اگر پیشگویی‌اش به حقیقت نپیوست، باید او را سنگسار کنید. این به نوعی احتمال تحقق پیشگویی در طول زندگی را نفی می‌کند، درست است؟ اگر پیشگویی‌اش به حقیقت نپیوست، او را می‌کشید.

شما برید، نه صبر کنید بچه‌ها. فردا قراره فردا اتفاق بیفته، پس اون سنگ‌ها رو زمین بذارید. می‌دونید، من نمی‌دونم. خب، این یه موضوع خیلی خیلی سخته.

و باز هم، این یکی از مواردی است که فکر می‌کنم یک واعظ باید روی آن کار کند، چون چرا شما، منظورم این است که خیلی‌ها می‌گویند، خب، می‌دانید، خدای عهد عتیق با خدای عهد جدید فرق دارد، درست است؟ و شما می‌گویید، اوه، پس شما به دو خدا اعتقاد دارید؟ یا معتقدید که خدا تغییر می‌کند؟ منظورم این است که این یک چیز رایج است که گفته می‌شود، و واقعاً وحشتناک است. بله، اما شما باید راهی پیدا کنید تا آن ویژگی‌های خدا را که در عهد عتیق آشکار شده‌اند، کنار هم قرار دهید و آنها را با آن ویژگی‌های دیگر خدا در عهد جدید ترکیب کنید. اگرچه من واقعاً مطمئن نیستم، اما واقعاً یک ویژگی در یکی وجود دارد که در دیگری نیست.

خدا در عهد جدید، همانطور که در عهد عتیق خدای خشم بوده است، در عهد عتیق نیز خدای عشق است. همانطور که مرغ مادر بال‌هایش را دور جوجه‌هایش می‌گذارد، من نیز بارها در پی محافظت از تو بوده‌ام.

منظورم این است که شما این تصاویر شگفت‌انگیز از یک خدای مهربان و محافظ را در عهد عتیق دارید که می‌دانید، برای برخی افراد، قدرتمندتر از تصاویری است که در عهد جدید می‌بینیم. اما باید راهی وجود داشته باشد که بتوانید بگویید، نه، من در سنگسار یک پسر نافرمان شرکت نخواهم کرد، جز اینکه او را مجبور به نقل مکان به پورتلند کنم. و به همین دلیل است.

خب، بله، جالب است که بپرسیم آیا عیسی آن قانون خاص را دوباره تفسیر می‌کند یا نه. مشکل این است که فکر نمی‌کنم داستان معمای زن به کتاب مقدس تعلق داشته باشد. این داستان در متن اصلی نیست. تا سال بعد ظاهر نمی‌شود. ۱۵۰.

بنابراین، مفسران تقریباً متفق‌القول می‌گویند که این یک داستان واقعی است، اما یوحنا آن را ننوشته است و دلایل زیادی برای این امر وجود دارد. بنابراین، من معمولاً به سراغ متونی که از نظر متنی نامشخص هستند، نمی‌روم. بله، من فقط از آن استفاده می‌کنم چون یکی از قوی‌ترین آنهاست.

منظورم این است که مورد دیگر، اینکه همجنس‌گرایی یک جرم کیبره است، می‌تواند مثال دیگری باشد که خب، حالا، آیا واقعاً به آن اعتقاد داریم؟ آیا واقعاً قرار است این کار را انجام دهیم؟ بسیار خب، این چیزی است که باید روی آن کار کنید، اما امیدوارم به برخی از سؤالات در ذهن شما پاسخ داده شده باشد. بنابراین، برای اکثریت قریب به اتفاق عهد عتیق، دیدن اینکه چگونه در مسیح تحقق یافته است، بسیار آسان است. برخی از آن هنوز مبهم است، درست است؟ فکر نکنید که من آمده‌ام تا شریعت یا نوشته‌های پیامبران را منسوخ کنم.

من نیامده‌ام که آنها را منسوخ کنم، بلکه آمده‌ام تا آنها را به انجام برسانم. و سپس، او قصد دارد منظور خود را از شریعت و انبیاء روشن کند. او گفت، منظور من هر چیز کوچکی است که آنها می‌گویند.

است NIV زیرا به راستی به شما می‌گویم، تا زمانی که آسمان و زمین از بین نروند، نه کوچکترین حرف، این نه کوچکترین حرف، نقطه کینگ جیمز، حدس می‌زنم، درست است؟ نقطه. یک نقطه و یک کلمه وجود دارد. آیا این یک کینگ جیمز است؟ بسیار خوب، کوچکترین حرف نیست.

این ذره در الفبای یونانی است. کوچکترین حرکت قلم هم نیست. چندین کاراکتر عبری وجود دارد که تقریباً یکسان به نظر می‌رسند، به جز اینکه یکی کمی وارونه یا دیگری دارد، خط را به هم متصل می‌کند.

مثل هشت صدا، یکی از آنها از وسط و پایین می‌رود و یک خط کوچک دارد. دیگری از وسط می‌گذرد و به هم متصل می‌شود. آنهاپی که یک تلنگر کوچک روی آن دارند.

بنابراین، عیسی به کوچکترین حرکت قلمی که شما درست در یونانی می‌نویسید و کوچکترین حرکت قلمی که چه می‌گوید؟ در نهایت به چه چیزی رسیدیم؟ نقطه ESV شما به زبان عبری می‌نویسید، نگاه می‌کند. نسخه اصلاً چرا باید بگوییم نقطه؟ هیچ مصوتی وجود ندارد.

در حال حاضر هیچ مصوتی نوشته نشده است. در زبان عبری کجا می‌توان نقطه‌ای پیدا کرد که مصوت نباشد؟ بحثان در این مورد را به خاطر نمی‌آورم. اوه، شین-سین

شین-سینتاو، و سین، با یک نقطه در سمت چپ و یک نقطه در سمت راست از هم متمایز می‌شوند. این جایی است که قرار دارد. و همیشه دلیلی وجود دارد.

ضمناً، در ترجمه‌ها، هیچ ترجمه تصادفی وجود ندارد. مهم نیست. فرقی نمی‌کند کدام یک از ترجمه‌های اصلی، به خصوص آن‌هایی که توسط کمیته‌ها انجام شده‌اند، باشد، هیچ ترجمه تصادفی وجود ندارد.

همیشه به دلیلی وجود دارد. و خیلی راحت میشه بهش نگاه کرد. خب، این احمقانه‌ست.

این اصلاً منطقی نبود. بله، منطقی بود. اکثریت محققانی بودند که احتمالاً از من و شما محققان بهتری هستند، و ما به عنوان یک گروه تصمیم گرفتیم که این روش ماست.

خیلی خب. و بعضی وقت‌ها دلایل خوبی نیستند. این‌ها تمام رأی‌هایی بودند که از دست دادم.

بعضی وقت‌ها دلایل خوبی وجود دارد. اینها آرابی هستند که من به دست آوردم. اما همیشه یک دلیلی وجود دارد.

و بنابراین تا وقتی که دلیلش را نفهمیده‌اید، مطالعه‌تان را متوقف نکنید. بسیار خب. بله، شین-سین با یک نقطه مشخص می‌شود.

از آنجا می‌آید. نمی‌دانم. نمی‌دانم آیا آن نقطه در زمان عیسی آنجا بوده است یا نه.

حتماً همینطور بوده. ما که نمی‌گفتیم نقطه. باشه.

خب، حروف. به لحظه صبر کن. بذار ببینم یونانی‌ش چیه.

امم، در امثال، بیا تا به انجام برسانی، زیرا به شما گفته‌ام، تا آسمان و زمین از بین نروند، یک کوریا هم از است. بنابراین، او در واقع از این حرف استفاده می‌کند iota بین نخواهد رفت. خب، کلمه یونانی در واقع

است. به معنی شلیک کن، سقوط کرد. به معنی شاخ است curiae و کلمه دیگر

باشه. به همین دلیل که می‌گیم شبیه شاخ هست. خب آره، من از اون نقطه ترجمه خوشم نمیاد

.تت و هرچی که این شخصیت‌ها هستن فرق داره. آره. آره.

آره. آره. اما من دوست ندارم از اصطلاحات انگلیسی برای حروف عبری و یونانی استفاده کنم

نه، خط تیره وجود ندارد. و در زبان عبری هم خط تیره وجود ندارد. بعداً برای دسترسی عمومی از خط تیره برای ایجاد ارتباط بین کلمات استفاده می‌شود، اما در الفبای قاره‌ای واقعی، خط تیره وجود ندارد، اما بله، این یک حرکت قلم است، اما تنها حرکت قلمی که شبیه شاخ است، همان چیز تزئینی کوچک است

استفاده می‌کند iota به هر حال، به هر حال، امم، فکر نمی‌کنم اغراق‌آمیز باشد، چون او از کلمه‌ی واقعی که یک حرف یونانی است. و بنابراین، فرض، چیز دیگر، توصیفی از بخشی از الفبای عبری است. بنابراین، او فقط می‌گوید که کاملاً همه چیز در من محقق شده است

کاملاً. بنابراین، به نوعی، یک پسر سنگسارکننده و نافرمان در مسیح به کمال می‌رسد. من اصلاً نمی‌دانم منظور او از تک تک حرف‌های کوچک موسی و پیامبران چیست

امم، به عبارت دیگر، او اجازه نمی‌دهد که بخشی از آن درست باشد و بخشی از آن نادیده گرفته شود درست است. خب، آخرین باری که ما از طریق اعداد موعظه کردیم کی بود؟ کنت هیوز... آیا کنت تا به حال برای تدریس به اینجا آمده است؟ باشه

فکر می‌کردم او، آه، این مجموعه تفسیر را دارد که سردبیر کل آن است. و نمی‌توانم تصور کنم که پیدا کردن کسی که از طریق اعداد موعظه کند تا بتواند یک مجموعه کامل باشد چقدر سخت بود، اما او کسی را پیدا کرد. اما ذره ذره از حقیقت او را

و او می‌گوید، اینطور نیست که همه چیز، اوه، متأسفم. تصادف من مرا با خود برد. اینطور نیست که تمام قوانین عهد عتیق تا ابد ادامه پیدا کند و بگوید که این [قانون] است؛ تا زمانی که همه چیز به انجام برسد، همینطور خواهد بود.

خب، او دارد، دارد یک پایانه درست می‌کند، که حدس می‌زنم اینطور است، امم، اینطور است، اینطور است، در بعضی نقاط اینطور است، که چرا هیچ کس نمی‌گوید، بگذارید من فقط آن را بخوانم. واقعاً متأسفم. به شما می‌گویم، تا زمانی که آسمان و زمین ناپدید نشوند، کوچک‌ترین حرفی، کوچک‌ترین حرکت قلمی به هیچ وجه از قانون ناپدید نخواهد شد تا زمانی که همه چیز محقق شود

و نکته‌ای که می‌خواهم بگویم این است که بخشی از آن بر روی صلیب محقق شد. بخشی از آن در زمان داوری محقق خواهد شد. بخشی از آن در آسمان‌های جدید و زمین جدید محقق خواهد شد، درست است؟ بنابراین حتی وعده‌های سرزمین، تحقق نهایی خود را خواهند داشت و در آسمان‌های جدید، زمین جدید معنا پیدا می‌کند



او به دلیل پیشینه خاخی خود محدود شده بود. و جویت استدلال کرد که پولس در زمینه ایمان و عمل اشتباه می‌کرد. و این زمانی بود که شکاف بین فولر و پیروانش واقعاً از ترینیتی و گوردون کانول و دنور و پیروانشان جدا شد.

خب، این ماجرا مال دهه هفتاد بود. اما به هر حال، عیسی مسیح است، همانطور که سعی داشتیم ماجرا را برایتان تعریف کنم. وقتی در مقطع کارشناسی ارشد بودم، دو تا از بهترین دوستانم داریل باخ و کریگ بلومبرگ بودند.

داریل در دالاس تدریس می‌کرد و به دالاس می‌رفت. کریگ در دنور تدریس می‌کرد و به ترینیتی می‌رفت. و ما ناهار پنجشنبه‌ها را با هم می‌خوردیم.

و داریل از جایی که او زندگی می‌کرد می‌آمد. و در واقع، من و کریگ مدتی با هم زندگی کردیم. و ناهار می‌خوردیم و بعد تمام بعد از ظهر بحث می‌کردیم.

این بهترین بخش تحصیلات من بود. من متوجه نبودم که در فولر به روش خاصی به من آموزش داده شده بود، و آنها واقعاً متفاوت آموزش داده شده بودند. بنابراین، من فقط با این فرض که کتاب مقدس اشتباهاتی دارد، وارد مقطع کارشناسی ارشد شدم.

در دوران کودکی‌ام این را به من یاد نداده بودند، اما من فقط بر اساس همه چیز فرض می‌کردم که خطاهایی وجود دارد. و این یکی از چیزهایی بود که ما واقعاً در موردش با من بحث کردیم. و این یکی از قسمت‌هایی بود که آنها به آن مراجعه می‌کردند.

می‌گویند، بیل، اگر اطمینان عیسی به حقانیت کتاب مقدس به نقطه و کلمه ختم می‌شود، چرا مال تو این‌طور نباشد؟ اوه، من به این فکر نکرده بودم. بنابراین، این یک متن بسیار مهم در کل بحث الهام است. اما اطمینان عیسی به کوچکترین بخش ممکن از شریعت عهد عتیق گسترش می‌یابد.

باشه؟ خب، در این مرحله، فریسی‌ها می‌گویند، اوه بله، این یارو آدم بدی نیست. من واقعاً مطمئن نیستم. که این کار موفق چیه، اما می‌دونم، هی، اون یکی از ماست. اون یکی از ماست.

و بعد آیه ۲۰. و آیه ۲۰ آنها را نابود می‌کرد، درست است؟ زیرا به شما می‌گویم که اگر پارسایی شما برتر از برتر از آنهاست. اینها ESV، پارسایی دقیق‌ترین افراد مذهبی که جهان تا به حال شناخته است نباشد. فریسیان و کاتبان و معلمان شریعت هستند.

خواهی رفت، و در یک بازسازی بسیار قاطع، مطمئناً نخواهی شد. مطمئناً وارد پادشاهی بهشت نخواهی شد. است. ESV از این نظر بسیار بهتر از NIV، در واقع.

یعنی اینکه این را تأکید بیشتری می‌کند. تو قطعاً NIV. یعنی تو هرگز وارد پادشاهی آسمان نخواهی شد. وارد پادشاهی آسمان نخواهی شد.

وای، چه هیجان‌انگیز بوده. یهو یه پیامبر جلیلی پیدا میشه که میگه مذهبی‌ترین آدم‌هایی که دنیا تا حالا دیده، حتی تو ملکوت خدا هم نیستن. چه برسه به اینکه خیلی بزرگ نباشن، خیلی کوچیک نباشن، حتی توش نباشن.

فراخوان عیسی به شاگردان این است که پارسایی شما باید از این افراد فراتر و برتر باشد. حال، کاری که او قرار است انجام دهد این است که بقیه فصل را صرف توضیح معنای این موضوع کند.

این دکتر بیل مونتس در حال تدریس در مورد موعظه بالای کوه است. این جلسه ۵ در مورد متی ۵: ۱۷-۲۰ در مورد عیسی و شریعت است.